

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الظاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

یکی از حضار: این چاپ دار الغرب را هم آوردم فهرست ابن خیر اشبیلی ، این هم همه جا هم روی جلد هم در متن فهرست را با همان تالی مدور نوشته است اما یک فصلش مثل فصل در صفحه ۵۲۲ می گوید ذکر ما رویت من الفهارس الجامعة لروایات الشیوخ رضی الله عنهم و تألیفهم و من ذلک فهرست الشیخ فلان فهرست الشیخ فلان شاید یک چهل تا فهرست ردیف می کند که این ها که من روایت می کنم، فهرست فلان حدیثی بها قراءة منی فی منزله مثلاً فهرست شیخ وزیر ابی عبد الله جعفر بن محمد مکی بن ابی طالب القیسی حدیثی بها قراءة منی علیه فی منزله ، فهرست شیخنا القاضی ابوبکر محمد بن عبد الله بن العربی یک چهل پنجاه تا از این فهرست هایش شاید هم بیشتر به نظرم از صفحه ۵۲۲ تا ۵۳۷ تعدادش هم معلوم می شود آخریش هست فهرست صاحبنا الشیخ ابی بکر عتیق بن عیسی بن احمد بن مؤمن قرطبی روایتی لها عنه ، شماره ها چون مسلسل است این آخریش هست ۱۳۳۳ ، اولش ۱۲۵۹ یعنی نزدیک آیت الله مددی : شصت ، چهل تا پنجاه و خورده ای ، پنجاه و چهار تا

یکی از حضار : بله در این چند صفحه فقط این فهرست ها را روایت می کند این فصلش ، فصل بعدی اش فصل آیت الله مددی : من یک توضیحی را باید می گفتیم البته واضح بود حالا باز ما در خلال ببینید چون حدیث در کوفه این چون حدیث اسلامی ها در همین مناطق بود دیگر شام و عراق و مدینه و بغداد و کوفه و اینها بود اینها خیلی دنبال فهرست نبودند ، چرا چون خود کتابها موجود بود لذا خوب دقت کنید شیعه هم تا مادام در کوفه بود خیلی دنبال فهرست نبود لذا گفتیم فهرست به قم منتقل شد فهرست این که شما نگاه کنید عین طریق ما در مرکز اسلامی فهارس منتشر نشد رفت در قرطبه منتشر شد در اندلس منتشر شد دقت کنید .

یکی از حضار : این یک مقدار مصطلح است می گوید مثلاً این طرفی ها به آن چیز دیگری می گفتند .

آیت الله مددی : نه نه می گوید من اینکه اگر این فهرست را به همان معنای خودمان ، من این کتابها را ، بخوانید شما ، من این کتابها را نقل می کنم خوب این فهرست ماست دیگر فرقی نمی کند . حالا بخوانید .

یکی از حضار : تعبیرش این است که ذکر ما رویت من الفهارس الجامعة لروایات الشیوخ و تألیفهم فمن ذلک

آیت الله مددی : ببینید تألیف ، روایات باشد با رجال می خورد لکن تألیفهم دیگر نمی خورد .

یکی از حضار : فهرست شیخ ابی علی حسین بن محمد بن احمد الغسانی ثم الجیانی حدیثی بها

آیت الله مددی: جیانی؟

یکی از حضار: جیانی نوشته است.

آیت الله مددی: بله

یکی از حضار: الشیخ المحدث فلان قرائتا منی علیه عن مولفها ابی علی

آیت الله مددی: ببینید مولفها، خوب ایشان خودش چند است؟ ابن؟

یکی از حضار: ۵۷۵ وفاتش است.

آیت الله مددی: یک استاد قبلش می شود ۵۳۰ یک استاد قبلش ببینید چقدر دیر است. فهرست را ما چه گفتیم در همان قرن اول و دوم نوشتند، یعنی یک نوشتار را در همان قرن اول و دوم دقت کردید؟ ایشان با یک واسطه از مولف من مولفه این فهرست آثار کتاب هایی که داشته یا روایاتی که از افراد داشته آورده است بقیه را هم بخوانید همین طور من عرض کردم فهرستی که ما داریم یک جور دیگری است سنخ دیگری است چون دیشب به قول آقایان دیشب درسی راجع به قرن اول صحبت نکردیم حالا امشب هم تکمیل بکنیم راجع به قرن اول یک کمی شما می خواهید باز هم بخوانید.

یکی از حضار: یک مورد بعدی هم دارد و هذا باب جامع یفیدک اتساع الروایة من جهة الاجازة

آیت الله مددی: خوب این باب اجازات است.

یکی از حضار: می گوید تألیف ابی بکر محمد بن حسین آجری رحمه الله کلها، حدثنی بها شیخ فقیه ابوالقاسم فلان عن ابی بکر آجری رحمه الله

آیت الله مددی: ببینید به یک واسطه، این مثل فرض کنید مرحوم شیخ طوسی آثار شیخ مفید را بگوید مثل همان است.

یکی از حضار: تألیف اینها را روایت می کند.

آیت الله مددی: شیخ طوسی آثار مفید از مفید ابو غالب زراری بگوید مثل همین است.

یکی از حضار: بکتاب متقدم هم دارد

یکی از حضار: نه اینکه نداشته باشد واسطه ها،

یکی از حضار: مثلاً کتاب سیویة هم دارد.

آیت الله مددی: کتاب سیویة اصلاً راوی ندارد.

یکی از حضار: همان طریق صفار

آیت الله مددی: گفته شده ندارد. محققینشان گفته شده کتاب سیویه من الوجاهه رسیده است اصلا کتاب سیویه همان وجاده است این کتاب نشد.

یکی از حضار: حالا تالیفات است اعم از حدیث، می گوید تألیف حالا تألیف هم اینجا همه اش رسم الخط را توالیف نوشته است.

آیت الله مددی: کتاب سیویه که در حدود ۱۸۰ است ایشان چیز ندارد اصلا راوی ندارد کسی از او نقل نکرده است.

یکی از حضار: می گوید تألیف حافظ ابی نعیم احمد بن عبدالله

آیت الله مددی: چهارصد و خورده ای است

یکی از حضار: شیخ ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن عتاب عن ابی عمرو عثمان بن ابی بکر حمود عن ابی نعیم رحمه الله

آیت الله مددی: دو واسطه، چهارصد و خورده ای است ایشان ابو نعیم

یکی از حضار: حافظ نیشابوری بعدش تألیف حاکم ابی عبدالله محمد بن عبدالله حافظ نیشابوری حدیثی بها الشیخ

آیت الله مددی: ۴۵۰ هست یا ۶۰ است چند است حاکم نیشابوری

یکی از حضار: حاکم نیشابوری چهارصد و خورده ای است.

آیت الله مددی: یعنی دقت کردید چه شد؟ اصلا این به کتب یعنی اجازات شبیه اجازات ماست اسمش را فهرست گذاشته است و لذا ما

هم عرض کردیم فهرستی که نجاشی نوشته از اجازات و فهارس گرفته است و لذا هم ما برای همین عرض کردیم این اجازات است من به

نظرم همان شب راجع به این کتاب گفتم بیشتر به اجازات است، فهارس نیست.

یکی از حضار: عبارت کتانی را وقتی می خواهیم برداریم به اصطلاح اهل سنت چون ایشان فروع و تفصیلش را گفته آنجا بخوانیم هم

فهارس و هم مشایخ مشیخه ها را هم برنامه

آیت الله مددی: حالا آن برای عبدالحی کتانی را ببینید چون من ندیدم تا حالا این را من چند بار

یکی از حضار: مصطلح اهل سنت را دارد

آیت الله مددی: اما این چاپ خوبی است بهتر از این است که من دارم.

یکی از حضار: این چاپ دارالغرب است بله

آیت الله مددی: این از یکی من بهتر است. یکی من افسست است. حروف هم به نظرم مثل چیزها می آید مثل لایدن می آید شما گفتید لایدن نبود اما خیال می کنم برای لایدن باشد برای حروف قدیمی است حروف غربی هاست مثل حروف غربی هاست، بله. آدم دلش هم می خواهد که اینها را بهتر بکند. مثل دل مؤمن صاف است هیچ حاشیه و اینها ندارد، آدم خیلی رغبت به خواندنش نمی کند، مثل دل منافق تکه تکه دارد.

یکی از حضار: هندوانه را آن هندوانه فروش می گفت مثل قلب مومن سفید است.

آیت الله مددی: گفت بخت من در همه چیز سیاه است الا در هندوانه که سفید است حالا این هم مثل همان. نه آقا بپرید چرا گذاشتید اینجا

یکی از حضار: اگر خواستید ملاحظه کنید.

آیت الله مددی: نه دیگر من اطلاع دارم چون من ممکن است نگاه نکنم همین طور نزد من متحیرم کتاب های شما را پیدا کنم یک کمی گشتم پیدایش نکردم یک کمی برگردانید زودتر اینجا نزد من نماند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد راجع به قرن اول چون نسبت به امیرالمؤمنین و این قسمت کتاب منسوب به ایشان و کتاب هایی که تالیف ایشان است و نزد ائمه بوده عرض کردم چون یک جلسات سابق صحبت شد و آنها الان کمتر محل مراجعه است یعنی آن قسمتی که نزد ائمه است نمی توانیم به آن مراجعه کنیم مگر آن نقل هایی که شده است آن قسمت هایی هم مثل این کتابی که به اسم ایشان سنن و احکام آن هم از آن نسخی هست و حسابی هست و کتابی هست و می شود یک مقدارش را الان پیدا کرد اما انتسابش فعلا به امیرالمؤمنین خالی از مشکل نیست . توضیحاتش هم همان جا گذشت .

این تقریبا معروف ترین کتاب بوده که در کوفه به امیرالمؤمنین و از کوفه بعد به مدینه رسید از زمان امام باقر و اینها که آقا چنین کتابی هست برای امیرالمؤمنین و عرض کردیم ظاهرش این است که عده ای از اهل سنت ، زیدیه ، اسماعیلی ها از این کتاب استفاده کردند اگر نسبتی دادند به امیرالمؤمنین و نزد ما نیست یکی اش همین کتاب است احتمالا هم امام صادق بعضی جاها دارد که کذبوا علی علی مرادشان این باشد که اینها در این کتاب از امیرالمؤمنین .

یک روایتی هست که خیلی هم عجیب است ابو حمزه ی ثمالی با آن جلالت شأنش که حضرت سجاد و حضرت باقر را درک کرده زمان امام صادق از کوفه احرام بست ، من عرض کردم در این کتاب خطط کوفه برای آقای لوی ماسونیون ادعا می کند که به اصطلاح از یک منطقه ی کوفه که من حدودا عرض کردم حدود از مسجد کوفه که در می آییم رو به نجف همان اوائل مسجد کوفه رو به نجف از اینجا مسلمان ها حالا شیعه نه فقط احرام می بستند برای چیز و یک اسمش کناسی است اسم خوبی دارد اگر در اثناء یادم آمد اسمش را یکی از حضار : محله ی کنده و اینها ؟

آیت الله مددی : نه محله ی کنده ی الان در آن زمان اسمش کناسه ی فلان بود .

یکی از حضار : کناسة الکوفة

آیت الله مددی : کناسة الکوفة معروف بود در وسط شهر است این نه این تقریبا خارج مسجد می رفتند به طرف نجف همین خیابان ، ما الان به آن می گوئیم خیابان عرعر جاده ی عرعر از همین نجفی ها هم می رفتند ، می رفتند به طرف مکه اصلا مکه از این راه بود الان هم شنیدم

احیائش کردند اتوبانش کردند و مرتبش کردند و الان هم می روند به آن می گویند راه عرعر از اینجا می رفتند و پیاده هم بعضی ها رفتند یعنی اگر بعضی ها پیاده به مکه از نجف

یکی از حضار: مرحوم کمره ای می گوید از همان نجف

آیت الله مددی: نه می گوید با پیاده رفتم کمره ای با پیاده، آقا میرزا باقر می گوید با پیاده رفتیم که در راه عرب ها اموال ما را گرفتند و آل سعود آمدند و خوب ادبشان کردند تمام اموال ما را برگرداندند.

علی ای حال آن پیاده از آن جا می رفتند الان شنیدم آن جا را مرتب کردند و شنیدم از زمان بعثی ها که این جنگ خبیث برقرار بود شنیدم که خیابان را برقرار کردند ماشین های باری که حکام آنها می فرستادند ماشین های اسلحه به عراق از اینجا می فرستادند، ماشین های باری که پر از اسلحه یا حتی پول بود از این راه به عراق می فرستادند از این راه بیابان به عراق می فرستادند. علی ای الان شنیدم آباد است آن خیابان آن وقت ها خوب ضعیف است الان اما شنیدم آباد است و اتوبان است خیلی مرتب است و این بیابان ظاهرا و این خط ظاهرا می خورد به همان مسلخ و اینها، به حساب عقیق وادی عقیق، میقات اهل عراق اولش مسلخ و غبره و این می خورد به میقات اهل عراق این راه این مسیر به نظرم در سعودی وارد می شود.

من خودم اولین حج بعد از انقلاب سال ۱۴۰۰ که مشرف شدم برای حج از عراق رفتم با هواپیما سال اول ازدواج ما بود با خانواده رفتیم با رفتیم با هواپیما از بغداد و دیگر هواپیما که نمی فهمیدیم کجا هست یک دفعه خلبان یک چیزی به عربی گفت که من نفهمیدم حالا عربی ما هم خیلی بد نیست یک چیزی گفت دیگر حالا اصطلاح بود چه بود یک دفعه دیدم عده ای از این بخارایی ها و از این قندهاری ها و از این ها بلند شدند، سنی هایی که در هواپیما بودند شروع کردند لبیک اللهم لبیک لباس هایشان را در هواپیما درآوردند و همان جا احرام بستند در هواپیما، پرسیدم گفتند اینها محاذی میقات عقیق هستیم، خلبان گفت رسیدیم بالای عقیق اینها از همان بالا به عنوان محاذی احرام بستند که رفتند طرف جده.

یکی از حضار: اینقدر محاذات صدق می کند؟

آیت الله مددی: معلوم نیست بله اینقدر که هواپیما بالاست، عرف است صدق عرف می کند؟

علی ای حال از زمینش خبر ندارم از هواش دیدم از زمین هنوز از وادی عقیق رد نشدم. حالا به هر حال این هم راجع به این قسمت بعد می گوید که من گفتم آقا از کوفه احرام بستم خیلی عجیب است حدیث عجیبی است به هر حال مثل ابو حمزه و حضرت فرمود چرا از کوفه گفت بلغنا عن علی این احتمالا همین کتاب بوده که من تمام الحج والعمرة ان تحریم بهما من دويرة اهلک و اتموا الحج والعمرة لله را

این جور معنا کردند من تمام الحج والعمرة ان تحرم بهما من دویرة اهلک ، حضرت گفتند کذبوا علی علی چنین مطلبی امیرالمؤمنین فرمودند من احتمال می دهم این هم جزو اینها بوده جزو این چیزهایی بوده که منسوب بوده به امیرالمؤمنین که از راههای دور احرام ببندید.

یکی از حضار: ابی بصیر است

آیت الله مددی: ابو حمزه است بابا

یکی از حضار: در فقیه ابی بصیر قال قلت لابی عبدالله علیه السلام

آیت الله مددی: نه دخلنا علی ابی عبدالله ونحن جماعة

یکی از حضار: اذا نروی بالكوفة ان علیا علیه السلام قال ان من تمام حجک

آیت الله مددی: می دانم این هم هست آن یکی هم هست دوسه تا روایت است نه یکی ، یکی دیگر هست که جماعة ونحن جماعة منهم

ابو حمزة

یکی از حضار: دوباره در تهذیب عن قاسم بن حمید عن رباع بن ابی نصر این هم باز دارد قلت لابی عبدالله علیه السلام یروون ان علیا

علیه السلام قال ان من تمام حجک احرامک من دویرة اهلک

آیت الله مددی: این نه یکی دیگر دارد که با جماعتی بودیم شعث غبر خیلی غبار آلود و صورت های ما سیاه شده بود .

یکی از حضار: در دعائم هم به عنوان در خود متنش است قال علی علیه السلام ان من تمام حجک احرامک من دویرة اهلک

آیت الله مددی: ببینید همان کتاب علی نگفتم اسماعیلی ها آوردند . این یک زوایای تاریخ است که پیدا کردند خیلی مشکل است ،

یکی از حضار: سومی هم در معانی الاخبار باز یک راوی سوم است عبدالله بن عطاء است ان الناس یقولون ان علی بن ابی طالب صلوات

الله علیه قال ان افضل الاحرام ان تحرم من دویرة اهلک .

آیت الله مددی: روشن شد ؟ چطور منتقل شد به دعائم و چطور امام صادق نفی اش کردند نه یک روایت دیگر هست که می گوید نحن

جماعة دخلنا

یکی از حضار: ابو جعفر این که الان از ابو جعفر بود

آیت الله مددی: عجب ابو عبدالله نیست ؟

یکی از حضار: این یکی خیر

آیت الله مددی: نه ابی عبدالله است ابو حمزه عن ابی عبد الله به نظرم بخوانید ابو حمزه می گوید دخلنا علی ابی عبد الله و نحن جماعة شعث غبر ، حضرت فرمود این چه قیافه ای است شما پیدا کردید ،

یکی از حضار: از کوفه تا چه رفته بودند این طور

آیت الله مددی: اها . از کناسه ی عزم با راء این را لویی ماسونیان نوشته جای دیگر ندیدم . ما که به حساب اهل کوفه ، جایش هم گذاشته نزدیک مسجد کوفه این طرف مسجد کوفه مقابل حی الکندة یعنی راهی که می رود به نجف واضح است می رود به نجف و از آنجا می رود به عرعر و از آنجا می رود به طرف مکه . آن جا حی کناسه ی عزم نوشته از اینجا چون آقایان نوشتند که این ها از کوفه کجا احرام بستند . یکی از حضار : آنجا که میثم است .

آیت الله مددی: ها یک کم پایین تر از میثم به طرف نجف ، جایی که میثم دفن است . دقت کردید ؟ این هم عرض کردم متأسفانه از کتاب ماسونیان نقل می کنیم حالا گفت مثل اینکه یکی از ادله ی ما این فیلم امام علی است در فلان مطلب درش هست حالا شبیه فیلم امام علی ، بفرمایید آقا آن برای ابو حمزه که جماعة نحن جماعة نه اینکه خیلی عجیب است این نکته چطور منتقل شد به کتاب دعائم الاسلام چون آن کتاب نزد دعائم الاسلام بود .

یکی از حضار: باز در کافی یک نقل دیگر هست از امام صادق مهران بن ابی نصر عن اخیه رباح قال قلت لابی عبد الله انا ... بالكوفة ان علیا صلوات الله علیه قال ان من تمام الحج والعمرة ان يحرم الرجل من دويرة اهله آیت الله مددی: ان يحرم بهما من دويرة اهله .

یکی از حضار: روایاتش به اندازه مستفیض است

آیت الله مددی: بله چند تا هست می گویم مشهور شد دیگر مثل ابو حمزه سرش کلاه رفته یعنی خیلی عجیب است ، شخص عادی نیست یعنی نخواندید کل روایت یک روایت دیگر دارد چرا ابو حمزه یادم است بابا فراموش نکردم .

یکی از حضار: نحن جماعة

آیت الله مددی: در همان باب در وسائل هم دارد فقط در جامع الاحادیث نیست ، در وسائل هم آمده است . اما اینکه ایشان گفت ما تا کتاب نکاح را نوشتیم بعید می دانم .

یکی از حضار: آن گفت روایات را سوا کردیم همین قدری

یکی از حضار: چرا می گوید تا دو جلدش تالیف شد

آیت الله مددی: چون دو جلد وسائل که سه جلد است

یکی از حضار: همین سومش

آیت الله مددی: نه الان این چیزهایی که ایشان نوشته این آقا از جلد قبل از نکاح است، اینهایی که این آقای معزی نوشته است. فنی هم نیست این ها این قبل است. نه

یکی از حضار: زمان خود آقای بروجردی یک جلد آماده شد.

آیت الله مددی: یک جلد چاپ شد طهارت، صلاة هم آماده شد قسمتی اش چاپ شد بعد توسط آقای شاهرودی به اجازه‌ی آقای شاهرودی قسمت آخرش خلل و نماز جمعه و اینها چاپ نشد، خلل و نمی دانم اینها چاپ نشد.

یکی از حضار: بعد هم که آیت الله خوئی

آیت الله مددی: آیت الله خوئی اینها را اجازه دادند که شش و هفت شد، بعد هم دیگر همه یکنواخت درآمد بفرمایید بابا نه آن که یک نفر نیست ابو حمزه جماعتی هستند، همان باب وسائل را بیاور خوب واضح است، البته نحوه‌ی استدلال درست هست اجمالا چرا چون احرام خودش اول اعمال حج و عمره است، احرام ورود در حج نیست. احرام مثلاً می گویند الحج واجبات الاول الاحرام. خود احرام جزو اعمال حج است.

یکی از حضار: من وسائل را آوردم چاپ آل البيت جلد ۱۱ صفحه‌ی

آیت الله مددی: دقت کردید؟ لذا شما اگر از خود کوفه احرام ببندید این اتموا الحج حج و عمره تان تمام است یعنی از اول خروج تان در حج هستید تا آخر.

یکی از حضار: از اول با احرام شروع کردید.

آیت الله مددی: با احرام دقت کردید با اول عمل حج شروع کردید. لذا این مطلب خودش فی نفسه لکن به شبه قواعد فقهی می خورد یک فقهی استنباط کرده به کلام امیرالمؤمنین نمی خورد من تمام الحج والعمرة ان تحریم بهما من دويرة اهلک. حج و عمره دارد چون در هر دو احرام خودش واجب اول است نه اینکه با احرام شما آماده بشوید طواف واجب اول است.

یکی از حضار: حالا چرا دور چرا مصغر شده دويرة فرمودند دار

آیت الله مددی: یعنی همان خانه‌ای که داری می‌آیی همان خانه از جایی که داری درمی‌آیی. دقت کردید؟ این روی قواعد هم ممکن است درست باشد. روی عنوان اتموا الحج والعمرة لله در یک روایت تاویلی ما داریم من تمام الحج ان تزور الامام تمام حج این است که بیایید مدینه امام را زیارت کنید به حج تنها نیایید، ما چند جور داریم چند تا معنا برای اتموا الحج والعمرة حالا من نمی‌خواهم واردش بشوم. یکی از حضار: آن را هم در آوردم کمال الحج ان تقف المفایا علی لیلی وتقر به السلاما سعید دارد در مناسکش

آیت الله مددی: بله، غرض اینکه من تمام الحج ان تزور زیارة الامام

یکی از حضار: ابی حمزة یک متن دیگر است جسارتا

آیت الله مددی: بفرمایید.

یکی از حضار: اینکه حالا من از وسائل آوردم شما فرمودید در وسائل یک جمع بندی بخواهد بشود حدیث اولش که هیچ حدیث دومش از ابو بصیر از ابی عبدالله که انا نروی بالكوفة ان علی علیه السلام قال ان من تمام حجک احرامک من دويرة اهلک بعد حدیث شماره‌ی ۴ همان که عرض شد رباح بن ابی نصر که قلت لابی عبدالله انا نروی بالكوفة

آیت الله مددی: سکونی

یکی از حضار: رباح

آیت الله مددی: رباح بن ابی نصر سکونی بله

یکی از حضار: انا نروی بالكوفة ان علیا صلوات الله علیه قال ان من تمام الحج والعمرة این هم دومی اش است. بعد یکی از میسر است که می‌گوید دخلت

آیت الله مددی: نروی، نروا، نروا دیگر سه جور است.

یکی از حضار: این را نروی ضبط کردند ظاهرا نروا باشد.

آیت الله مددی: این یکی میسر است روایت میسر است.

یکی از حضار: اینها را که دیگر دو سه تا شبیه بوده را نیاورده ایشان رسیده به حدیث ۷ می‌گوید و باسناده عن موسی بن القاسم از روایات قبل از شیخ طوسی است

آیت الله مددی: این برای شیخ طوسی است اسناده برای شیخ طوسی است، چون که هیچ کدامشان از موسی بن قاسم کتاب الحج موسی نقل نکردند شیخ طوسی منفردا از، هر جا در کتاب الحج اسم موسی بن قاسم دیدید برای شیخ طوسی است یک روایت واحده است که آن

موسی در وسط سند است که می گوید من از طرف شما طواف می کنم از طرف حضرت زهرا می گوید این خیلی خوب است از این اکثر من هذا ، از طرف امیرالمؤمنین از طرف رسول الله این فقط این روایت است این در کافی است بقیه از کتاب موسی بن القاسم کتاب الحج بسیار کتاب معروفی است .

اصلا موسی بن القاسم تقریبا مثل حسین بن سعید دوره ی کتاب داشته دوره ی فقه اما آن که در اختیار شیخ بوده کتاب الحجش است و در اختیار صدوق و مرحوم شیخ طوسی ، شیخ کلینی نبوده است ، یعنی نقل نکردند اگر هم در اختیارشان بوده نقل نکردند . آن وقت ایشان موسی بن قاسم گاه گاهی از کتاب معاویه بن عمار که خیلی معروف است کتاب الحج معاویه نقل می کند نقلش با نقل کافی و فقیه فرق می کند این خیلی تاثیر دارد .

ولذا ما همیشه می گوئیم یک نسخه ی کوفی از کتاب معاویه ، نسخه ی قمی از کتاب معاویه ، نسخه ی قمی آنی است که در اختیار کلینی و مرحوم صدوق است و از ابن ابی عمیر هم نقل می کند ، آن نسخه ی کوفی هم نسخه ای است که شیخ طوسی منفردا از موسی بن قاسم و خیلی مرد بزرگواری است موسی بن قاسم .

یکی از حضار : در ... کدامش را ترجیح می دهید ؟

آیت الله مددی : نسخه ی قمی شاید بهتر باشد بیشتر رویش کار شده است اما به هر حال ما چون کلیت نداریم در تعارض در اختلاف باید شواهد را نگاه کنیم بعد عمل اصحاب شهرت اصحاب ، کدام عمل کردند به متنش کمش زیادش این مقابله ی این متون و این ها را در آوردن خیلی موثر است این اگر مثلا این موسسه ی شما یک دو سه تا متن حالا من بعد مثال می زنم بتوانند من باب نمونه این طوری مقابله ای در بیاورند خیلی ، حالا بعد مثال می زنم الان باشد تا بعد بله این کار بسیار خیلی در حدیث شناسی شیعه تاثیر دارد خیلی تاثیر دارد یعنی یک چیزهایی آدم می بیند که قابل باور نبود که این طور اختلاف باشد و کم و زیاد باشد ، حالا ان شاء الله عرض می کنم ، بفرمایید آقا .

این ها که آماده شد خیلی ماده ی خام خوبی است برای بحث های بعدی خیلی راحت ، همین کتاب الحج معاویه بن عمار اگر تخریج بشود خیلی آثار دارد فوق العاده آثار دارد .

یکی از حضار : حالا اینجا عن حنان بن سدير

آیت الله مددی : عن حنان بن سدير

یکی از حضار : ضبط هم کرده ؟

آیت الله مددی: نه حنان است، بعد می خوانند حنّان بن سُدير غلط است، حنّان بن سُدير بفرمایید. اسمش حنان است بفرمایید ضبط کردند دیگران به تخفیف.

یکی از حضار: کنت انا و ابی و ابو حمزة ثمالی و عبدالرحیم الاصلی و زیاد الاحلام فدخلنا علی ابی جعفر علیه السلام فرای زیاد قد تسلخ جسده

آیت الله مددی: من خیال می کنم فرای زیاد ابو حمزة، اصلاً پوستش کنده شده بر اثر آفتاب از کوفه، دوری راه.

یکی از حضار: این البته برای من این آن متن نمی شود در نهایت اما ابتدایش همین بود.

آیت الله مددی: بله امام صادق آمدند مدینه که از راه مسجد شجره بروند.

یکی از حضار: فقال له من این احرمت قال من الكوفة قال ولم احرمت من الكوفة فقال بلغنی عن بعضکم انه قال ما بعد من الاحرام فهو اعظم للاجر فقال ما بلغک هذا الا کذاب.

آیت الله مددی: خیلی عجیب است مثل ابو حمزه و اینها و عده ای باشند و اینها ندانند در زمان امام باقر ایشان راوی از امام سجّاد است، معلوم می شود این نقل از امیرالمؤمنین کتاب سنن در کوفه خیلی تاثیر داشته، یعنی این تاثیرش تا قرن چهارم به دعائم رسیده اما من خیال می کردم عن ابی عبدالله باشد نقل دیگری عن ابی عبدالله ندارد.

یکی از حضار: در وسائل این بود که بعد هم که ابو حمزه از ویز اینجا چاپ شده که باید ربذ باشد محرم شده بعد ثم قال لابی ولعبدالرحیم من این احرمتما فقالا من العقیق فقال اصبتم الرخصة واتبعتم السنة.

آیت الله مددی: ها چون عراق باید از عقیق.

یکی از حضار: چون میقات عراق است.

آیت الله مددی: میقات است بله. می گوید من از آن جا کوفه می گوید تو اشتباه کردی می گوید درست این است. یک جای دیگر هم دارد ابو حمزه اسمش هست حالا من دیگر طول زمان خیلی فاصله افتاده است.

یکی از حضار: آن حج چند نفر چهار نفر از عبدالله بن عطا و چهار نفر از

آیت الله مددی: عن علی نقل کردند.

یکی از حضار: و از امام باقر پرسیده بودند.

آیت الله مددی: امام باقر هم تایید کردند؟

یکی از حضار: همان دیگر در هر چهار روایت تکذیب شده بود. اما کذبوا علی علی نداشتند

آیت الله مددی: چرا این برای امام صادق به نظر می آید.

یکی از حضار: کذبوا علی علی در متن های دیگر احادیثی که از امیرالمؤمنین نقل شده کذبوا علی علی

آیت الله مددی: من می گویم کذبوا را دیدم کذبوا علی علی دروغ گفتند. تصریح به دروغ دارد.

یکی از حضار: یک کذاب اینجا دارد.

آیت الله مددی: بله کذبوا علی علی.

علی ای حال چون عرض کردم دیگر حالا این مطلب احتیاج به یک شرح خاص خودش دارد که دیگر از محل بحث ما خارج است.

یکی از حضار: یک نقل کلی هم بود که هر جا احرام بیشتر باشد اعظم

آیت الله مددی: این هم درست نیست بله. این بحث اصولاً من در بحث احرام متعرضش شدم.

یکی از حضار: حضرت جواب می دهند می گوید و یا بابان کلاهما حلال الا اخذتم بالیسیر.

آیت الله مددی: این جواب های امام به اصطلاح این ها مشکل سر چه شد؟ مشکل سر این شد که در زمان عثمان پسر عموی ایشان نذر

کرد که اگر خراسان را بگیرد از خراسان احرام ببندد برای عمره و ایشان خراسان را فتح کرد احرام بست شش ماه در راه بود تا رسید مدینه

عثمان گفت این چه سر و صدایی راه انداختی گفت برای وفای به نذر گفت بیخود چنین نذری کردی احرام باید از مواقیت رسول الله باشد،

چه کسی به تو گفت از نیشابور احرام ببندی از خراسان احرام ببندی؟ این از زمان عثمان این بحث شروع شد دقت فرمودید عثمان

می گفت شما باید از میقات آن گفت نه من از خارج میقات این از زمان عثمان شروع شد بعد دیگر مخصوصاً بعد در آوردند که عمر از بیت

المقدس احرام بست.

ما اصلاً یک روایت داریم شما بابش را هم بیاورید یک روایت داریم از ابی بصیر که رجل جعل لله علی نذر مثلاً ان انعم علی ان یحرم من

خراسان اصلاً عین این بحث آمده است. احرام از خراسان

یکی از حضار: در وسائل باب جواز احرام قبل المیقات بیخشید عدم جواز الاحرام قبل المیقات لغیر الناذر بود که باب یازده بود

آیت الله مددی: روایت آخر

یکی از حضار: بعد باب سیزده می شود باب جواز الاحرام قبل المیقات لمن نذر ذلک.

آیت الله مددی: آخرش در این باب آخرین روایتش را بخوان، آخرین حدیثش.

یکی از حضار: گفته و ان كان الاحرام بالحج وجب كونه في اشهر الحج چون قبل از وقتش يك باب جدا داشت ، عدم جواز الاحرام قبل

ال

آیت الله مددی: آن که يك بحث دیگری است نه . قبل اشهر حج ، حدیث آخرش هفت و هشت .

یکی از حضار: حدیث آخرش و باسناده عن محمد بن الحسن الصفار

آیت الله مددی: اسناد این باب منفردات شیخ طوسی است این باب اصلا غير از شیخ طوسی نیاوردند احرام قبل از میقات به نذر را فقط

شیخ طوسی آوردند منفردا ایشان نه کلینی آورده و نه صدوق و باسناده عن الصفار این هم از شیخ طوسی بفرماید .

یکی از حضار: عن محمد بن الحسين

آیت الله مددی: ابن ابی الخطاب

یکی از حضار: عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن عبدالکریم عن سماعة عن ابی بصیر عن ابی عبدالله عليه السلام

آیت الله مددی: عبدالکریم که واقفی است اما سماعة معلوم نیست واقفی باشد عن ابی بصیر احتمالا این فقه واقفیه بوده شیخ طوسی

اشتباه کرده آورده است و ائمه‌ی متاخره‌ی ما آن را نفی اش کردند علما هم گفتند سند معتبر قبول نکنیم ، فتوا دادند عرض کردیم که این فتوا

حجت نیست احرام قبل از میقات مطلقا با نذر هم جایز نیست مگر لمريد العمرة في رجب که آنجا باید سندش را دید بفرماید .

یکی از حضار: عن ابی عبدالله عليه السلام قال سمعت

آیت الله مددی: ببینید لو ان رجلا

یکی از حضار: لو ان عبدا انعم الله عليه نعمة او ابتلاه

آیت الله مددی: او ابتلى ببلية او ابتلاه الله ببلية بله

یکی از حضار: فعافاه من تلك البلية فجعل على نفسه ان يحرم بخراسان

آیت الله مددی: ببینید ، حالا يك دفعه خراسان را برای چه آوردی اینجا ؟ حالا این قصه‌ی کیست آن عبدالله بن کریر پسر عموی عثمان

است . آن وقت این بین اهل سنت يك دفعه بحث شد سر و صدا شد عده‌ای گفتند حق با عثمان است احرام از مواقیت باشد عده‌ای هم

گفتند نه حق با آن عبدالله است غير از میقات هم می‌شود بلکه افضل هم هست آن وقت دیدیم مرحوم صاحب دعائم هم اختیار کرد میقات

بعید از آن خنده‌دار تر آقای امینی در جلد ۷ الغدير این بحث را آورده است .

یکی از حضار: همین بحث میقات و عثمان و اینها را

آیت الله مددی: عثمان را آورده رد بر عثمان کرده گفته میقات هر چه دورتر آدم احرام ببندد، خلاف فتوای شیعه

یکی از حضار: هر چه دورتر افضل

آیت الله مددی: افضل گفته چرا عثمان گفته از میقات هر چه دورتر برویم کل ما بعد افضل باشد این خیلی عجیب است، یعنی متأسفانه این مسأله یک بعد کلامی پیدا کرد یک نوع طعن بر، معلوم شد چه می خواهیم بگویم؟ و مرحوم آقای امینی خدا رحمتشان کند متوجه نشدند که این مطلب ایشان خلاف فتوای شیعه است اصلاً، در خصوص نذر گفتند در غیر نذر نگفتند بعید اما ایشان توجه نکردند خواستند رد بر عثمان اصلاً این مطلب، خوب بابا رد بر عثمان هم، معلوم شد؟

آن وقت این روایاتی که از امام باقر و صادق است تأیید همان راه عثمان است که حق با او بوده احرام باید از موافقت باشد نذر هم باید درست باشد مشروع باشد این نذر باطل است بیخود ایشان نذر کرده از خراسان احراما ببندد، شیخ طوسی هم قدس الله نفسه روی قاعده‌ی کلی تخصیص چون عده‌ای از روایات داریم که احرام قبل از میقات جایز نیست این گفته نه گفته خوب تخصیص می‌زنیم مشکل ندارد. اصحاب ما هم تخصیص، متاخرین اصحاب ما یک دفعه افتادند که خوب آخر چطور می‌شود اگر نذر باید مشروع باشد بعد آمدند گفتند نه معلوم می‌شود ملاک داشته اما به حد مشروعیت نرسیده با نذر آن ملاک زنده شد این شد قضیه حل شد، شروع کردند از این حرف‌های بافتنی این جواری دقت کردید؟ نه توجهی بکنند روایت چه بوده مصدر چه بوده کلام چه بوده ابن حزم تصادفاً خیلی عجیب است با عثمان موافق است با ما هم موافق است می‌گوید احرام قبل از میقات جایز نیست مطلقاً ولو با نذر.

یکی از حضار: ولو ترجیح شرعی داشته باشد؟

یکی از حضار: ترجیح که ندارد ولو لم یمر علی المیقات اگر کسی ورود در میقات هم نمی‌کند آن هم شاملش می‌شود؟ آیت الله مددی: فرقی نمی‌کند.

یکی از حضار: دعا کند اگر من خوب شدم از مریضی خوب شدم

آیت الله مددی: از قم احرام می‌بندم، نمی‌شود باطل است. همان است که رسول الله قرار داده است.

یکی از حضار: قاعده‌ی اولی همان است.

آیت الله مددی: بعد از میقات که با نذر هم نمی‌شود، حالا بگویید من مریضم تا میقات مریضم سرما خوردم بعد از اینکه از میقات رد شدیم احرام ببندیم خوب نمی‌شود که ما قبلش هم نمی‌شود فرق نمی‌کند نذر می‌کند بعد از احرام میقات ببندد خوب باطل است دقت

کردید؟

یکی از حضار: پس شیخ بدون توجه به اینکه این روایات از واقعه است و این دو بزرگوار نیاوردند بدون توجه به قاعده آورده و بعد هم عمل شده است

آیت الله مددی: چرا چون قاعده‌ی شیخ روی قاعده است. چرا چون به شیخ اعتماد کرده است چون یک روایتش از کتاب حسین بن سعید است یکی از کتاب محمد بن حسن صفار است اینها کتاب‌های معروفند شما می‌گویید شیخ مفید هم که گفته لا يجوز الاحرام قبل الميقات مطلقا اصلا نه فتوا این فتوا در قبل از شیخ طوسی مطرح شده نه در روایاتش آمده در قرن چهارم که قرن روایات است هیچ کدام نه کلینی، این روایت از قرن سوم آمده یعنی صفار و جناب حسین بن سعید قرن سوم. شیخ طوسی هم دیده روایت هست اصحاب هم اینها مشهورند تخصیص هم علی القاعده است دیگر این اصحاب متاخر ما آنهایی هم که این حرف‌های بافتنی‌ها را گفتند، گفتند ما به تخصیص قائلیم نذر باید مشروع باشد اینجا تخصیص خورده اشکال ندارد، ولو مشروع نیست روایت خاص دلیل خاص هم آمده عده‌ای از این معاصرین ما می‌گویند دلیل خاص آمده قبول می‌کنیم، دیگر ملاک داشته ملاکش فلان بوده مزاحم داشته مزاحمش، خیلی از این بافتنی‌ها بافتند این بافتنی‌ها را دیگر نمی‌خواهد نذر باید مشروع باشد اینجا هم مشروع نیست تخصیص خورده به خاطر این روایت دیگر توجه نکردند که این روایات از کتاب به اصطلاح شیخ است منفردا و این تخصیص چون آقا بفرمایید یک زمینه‌ای بین فقها عرض کردیم ایشان اگر توضیح دادیم تخصیص را اولین بار به عنوان تخصیص را در کلمات شافعی در رساله داریم از قرن سوم اوایل قرن سوم.

یکی از حضار: تعبیر هست؟

آیت الله مددی: بله تخصیص عام را تخصیص می‌زنند. مثلا می‌گوید خذ من اموالهم صدقة این عام است پیغمبر از ۹ چیز گرفت پس تخصیص می‌زنیم به ۹ چیز عین این هم بعدها علمای شیعه توسط شیخ طوسی آمد قمی‌ها چون دنبال این حرف‌ها نبودند، لذا مکتب بغداد همیشه عرض کردم در فرهنگ شیعی ما تاثیر گذار است.

مکتب قم در فرهنگ حدیثی ما خیلی تاثیر گذار است فرهنگ فقهی ما به بغداد برمی‌گردد مخصوصا شیخ طوسی، شیخ طوسی قبول کرد آقایان بعد از ایشان هم قبول کردند عرض کردم شاید یکی دو تا از معاصرین شاید حالا شاید دیدم که اینها اشکال می‌کنند روایت را قبول نمی‌کنند اما روی این جهت که این مشروع نیست نمی‌شود با غیر مشروع این تحلیلی که به شما عرض کردم ندارد می‌گویم اعجب از همه هم جناب مرحوم امینی در جلد ۷ الغدير می‌خواهید بیاورید مفصل بحث کرده گفته عثمان بیخود گفته هر چه احرام از دور باشد مثلا عبادت است فضیلتش بیشتر است افضل اعمال است احمزها و از این حرف‌ها چه اشکال دارد دورتر باشد بهتر ایشان زاویه‌ی کلامی دیده دقت کردید؟ هدفش این بود عثمان آن وقت اطلاع نداشت که فتوای شیعه هم همین است.

یکی از حضار: خواسته مصالب عثمان زیاد بشود

آیت الله مددی: آها خواسته مصالب عثمان، دقت فرمودید؟ این هم غرض یعنی من که می گویم مرادم اشکال این لحن من لحن انتقاد نیست لحن من لحن این است که باید حواسمان جمع باشد کاملاً، در ریشه یابی در به حساب پیدا کردن.

حالا من چون صحبت کردیم که در قرن اول راجع به این صحبت نمی کنیم، قرن اول ما مصادر داریم نه اینکه نداریم خود این نهج البلاغه را داریم همین کتاب داریم عرض کنم به اینکه فرض کن مثلاً در قرن اول صحیفه‌ی سجادیه داریم در قرن اول رساله الحقوق حضرت سجاد داریم، یک حدیث بسیار مفصلی است که صدوق آورده که صوم علی اربعین وجهها به نظرم کلینی ندارد این صوم علی اربعین وجهها را از زهری نقل می کنند علی بن الحسین به نظرم صدوق آورده نمی دانم کلینی هم آورده یا نه این حدیث صوم علی اربعین وجهها که صوم چهل جور است که واجب است و حرام است و برداشته این طوری، چهل نحو از انحاء صوم آورده به نظرم صدوق آورده است این را پیدا کنید حدیث علی اربعین وجهها الان چون خیلی وقت است که ندیدم سی سال بیشتر است.

یکی از حضار: کافی هم هست عنوان بابش این است، علی بن ابراهیم عن ابیه عن قاسم بن محمد جوهری عن سلیمان بن داوود
آیت الله مددی: عن قاسم بن محمد جوهری؟

یکی از حضار: بله

آیت الله مددی: نباید قاسم بن محمد جوهری باشد چون قاسم بن محمد اهل بغداد است این سلیمان بن داوود شاذکونی است در اصفهان آمده است، این باید چیز باشد عن علی بن محمد قاسانی باشد چون ایشان رفته اصفهان احادیث شاذکونی را آورده به قم قاسم بن محمد جوهری بغدادی است، شاید ایامی که شاذکونی در بصره بوده رفته از او گرفته والا قاسم بن محمد بغدادی است و توثیق خاصی هم ندارد ابن ابی عمیر از او نقل می کند توثیقات عامه درستش کردند، حسین بن سعید از ایشان زیاد نقل می کنند، حسین بن سعید عن قاسم عن ابن ابی عمیر نه عن فلان که الان یادم رفته است. ابن ابی عمیر هم از ایشان نقل می کند بفرماید بابا، آن وقت سلیمان بن داوود شاذکونی بین اهل سنت مشهور و معروف شد چون تضعیفش کردند.

یکی از حضار: آن که در ذهنتان هست از فقیه چون این جوری است باب وجوه الصوم روی عن الزهری انه قال لی علی بن الحسین اینطوری است خیلی مستقیم است اما در کافی این طوری سند دارد که دارم سندش را می خوانم حالا چایی که من دارم و حدیث را آوردم ایشان در این تعلیقه‌ای که چاپ شده می گوید تقدم سابقا ان قاسم بن محمد الراوی عن سلیمان بن داوود وهو من قریب هو القاسم بن

محمد الاصفهانی

آیت الله مددی : ها گفتم

یکی از حضار : فعليه الظاهر زیادة قيد الجوهری فی السند

آیت الله مددی : هر چند نمی خورد به جوهری ، جوهری بغدادی است یک قاسم بن محمد اصفهانی است یکی هم علی بن محمد قاسانی ، اینها به اصفهان آمدند از قم کتاب ، چون سلیمان بن داوود آخر عمر به اصفهان آمد کتاب آثار سلیمان بن داوود منقروی را به شاذکونی آوردند به قم .

یکی از حضار : بعد یکی داشت ارجاع می داد به خصال در خصال سند این جوری است حدثنا ابی رضی الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله عن القاسم بن محمد الاصفهانی عن سلیمان بن داوود منقروی

آیت الله مددی : ها این درست است عرض کردم به شما نمی خورد گفت شنونده باید عاقل باشد ما گاهی اوقات یک کمی عجب بنده را می گیرد که به مجرد اینکه سند را می خوانند حس می کنم که این

یکی از حضار : باز در تهذیب هم دوباره همین آمده است قاسم بن محمد جوهری البته ایشان از کافی نقل کرده است .

آیت الله مددی : بله واضح است از کافی نقل کرده

یکی از حضار : اما چون در نسخه ی کافی این بوده

آیت الله مددی : نسخه ی کافی این بوده نسخه ی خود کافی این بوده ، این جوهری غلط است باید اصفهانی باشد یا علی بن محمد قاسانی آن هم می آید از داوود ، قاسم بن محمد جوهری بغدادی است لذا عرض کردم چون شاذکونی برای بصره است اصلا خود سلیمان بن داوود شاذکونی برای بصره است بعد آمد استقرار فی اصفهان لذا علمای قم توسط این آقا قاسم بن محمد اصفهانی الملقب بکاسولا به نظرم تضعیف هم دارد اصلا القاسم بن محمد الاصفهانی الملقب بکاسولا به ذهنم می آید .

یکی از حضار : این عمده ی روایاتش همین برای سلیمان بن داوود منقروی قاسم بن محمد است تقریبا بالای هشتاد درصد

آیت الله مددی : بله عرض کردم

یکی از حضار : کمتر از ده درصد حسن بن محمد بن سماعة است بعد

آیت الله مددی : نه حسن نباید باشد .

یکی از حضار : بعد هم علی بن محمد قاسانی

آیت الله مددی: همین علی بن محمد قاسانی آن هم هست عرض کردم این ها راویان معروفی هستند که حالا ابن سماعة را نمی دانم الان در ذهنم حضور ندارم

یکی از حضار: این علی بن محمد قاسانی عمده ی روایات قاسم بن محمد علی بن محمد قاسانی نقل کرده است .

آیت الله مددی: این هم نقل می کند از آن

یکی از حضار: یعنی علی بن محمد عن قاسم بن محمد عن سلیمان این معروفترین طریقه ی روایات سلیمان بن داوود است .

آیت الله مددی: عرض کردم آن قاسانی هم عرض کردم کاشانی نیست ،

یکی از حضار: قاسان افغانستان

آیت الله مددی: افغانستان نیست ماوراء النهر است خوارزم و آن جا ها جایی است به نام قاسان است اسمش قاسان است این برای

آنجاست . حالا خود قاسم بن محمد اصفهانی را بیاورید الملقب بکاسولا به نظرم تضعیف هم دارد اصلا تضعیف هم هست ، بله آقا ؟

یکی از حضار: بله تصریح شده به تضعیفش الان می آورم .

آیت الله مددی: بله تصریح شده ، علی ای خود سلیمان بن داوود منقری به نظرم در اهل سنت یکی یا دو تا توثیقش کردند معظم گفتند نه

اگر اتفاقی نباشد معظم گفتند نه اما خیلی راوی حدیث است خیلی حدیث دارد سلیمان بن داوود منقری بصری حدیث زیاد دارد بیاورید.

یکی از حضار: در ابن الغضائری دارد حدیثه يعرف تارة وینکر اخری و يجوز ان یخرج شاهدا

آیت الله مددی: نه حالا ابن غضائری تند است رهایش کنید با او نمی شود زندگی کرد .

یکی از حضار: کاسولا

آیت الله مددی: الملقب بکاسولا ، نه ببینید نجاشی و شیخ و اینها چه دارند ؟

یکی از حضار: شیخ در فهرست که فقط در مورد همان کتابش گفتند که معروف بکاسولا

آیت الله مددی: چیزی راجع به او نگفتند

یکی از حضار: خیر در مورد نجاشی هم همین قاسم بن محمد جوهری را داریم ما

آیت الله مددی: نه آن جوهری که بغدادی است .

یکی از حضار: عرض کردم قاسم بن محمد دیگری ظاهرا ندارد .

آیت الله مددی: نه به نظرم دیدم نجاشی هم دارد .

یکی از حضار: چون دارم قاسم‌ها را نگاه می‌کنم این سه تا قاسم بن محمد دارد که اها چرا قاسم بن محمد القمی يعرف بکاسولا این قمی

به او گفتند قم و اصفهان هم نزدیک است لم یکن بالمرضی له کتاب اینجا له کتاب نوادر یا کتاب نوادر

آیت الله مددی: گفتیم دو جور خوانده می‌شود دیگر به حساب کتاب نوادر، کتاب نوادر دو جور خوانده می‌شود.

یکی از حضار: فقط همین لم یکن بالمرضی دارد

آیت الله مددی: لم یکن بالمرضی عرض کردم خیلی قابل قبول نیست.

یکی از حضار: ابن غضائری یجوز ان یخرج شاهدا

آیت الله مددی: بله آن وقت، بله برای تایید خوب است اما تایید اثبات، برای حسن یا صحت نه

یکی از حضار: اهل سنت اکثرا تضعیفش کردند.

آیت الله مددی: قاسم بن محمد را؟ نه سلیمان بن داوود است. بله آن چون از شیعه است در قم بوده این با آنها ارتباطی ندارد اهل سنت

این سلیمان بن داوود را هم بیاورید نمی‌خواستیم امشب وارد این بحث بشویم، بحث‌های خوبی در نظر داشتیم دارد از بین می‌رود، مگر

باز فردا شب

یکی از حضار: باشد فردا شب چون امشب خیلی

آیت الله مددی: بله طول کشید. جامع المعقول و... آورده بودیم بفرمایید آقا، نه میزان الاعتدال را بیاورید یا لسان المیزان یا تهذیب

الکمال را بیاورید تهذیب الکمال شاید در صحاح الست الان یادم نمی‌آید اسمش باشد مگر در ابن ماجه و اینها الان در ذهنم نمی‌آید در

میزان الاعتدال چرا این رمزی هم از صحاح ست زده یا نزده است؟ معروف است خیلی هم نوشتند حسن الهيئة خیلی آدم خوش قیافه و

مثل همان ابوالفضل که خواندید خیلی هیکل علمایی و

یکی از حضار: حالا به شماره‌ی چیز عرض می‌کنم ۳۴۵۱ شماره‌ی مدخل، سلیمان بن داوود المنقری الشاذکونی البصری الحافظ ابو

ایوب

آیت الله مددی: حافظ هم بوده به اصطلاح ۱۰۰ هزار بیشتر حدیث حفظ بوده است. اصولا سلیمان‌ها ابو ایوب است کنیه‌شان اصولا

اصطلاح عمومی‌شان، مثلا حسن ابو محمد، حسین ابو عبدالله، علی ابو حسین، محمد ابو جعفر این طوری بفرمایید

یکی از حضار: ... حماد بن زید و جعفر بن سلیمان فمن بعدهما

آیت الله مددی: و من بعدهما

یکی از حضار: اینجا دارد فمن بعدهما قال البخاری فیه نظرٌ

آیت الله مددی: عرض کردم بخاری خیلی مودب است همین که می گوید فیه نظر خودش خیلی تضعیف است معروف است که خیلی مآراء تادیب را می کند وضاع و کذاب و اینها را نمی گوید اصلاً نمی گوید. خود من هم مسلّم این طور است می گویم قابل قبول نیست فلان مراد الفاظ تند و کذاب و وضاع را به کار نمی برم بله آقا؟

یکی از حضار: وکذبه ابن معین فی حدیث ذکره یا ذکر له عنه

آیت الله مددی: دیگر می گویم ابن معین می گوید کذاب و وضاع اما ایشان

یکی از حضار: قال عبدان الاهوازی معاذ الله ان یتهم انما کانت کتبه قد ذهب کان یحدث من حفظه

آیت الله مددی: می گوید مشکلی اهل سنت داشتند به خلاف ما که کتب خیلی ارزش داشت نقل کتب اینها خیلی روی ارزش کتب نبودند اعتمادشان بیشتر روی حفظ بود حفظ می کردند می گفتند می گفت این اشکالش این است کتاب هایش درست بوده وقتی سند می گفته سند این را آن می چسبانده آن را به این، متن را کم می کرده زیاد می کرده دروغ نمی گفته وقتی می خواسته از حفظ صحبت کنه این طور صحبت می کرده منشأش این بوده است.

یکی از حضار: قال ابن عدی کان ابو یعلی والحسن بن سفیان اذا حدثا عنه یقولان حدثنا سلیمان ابو ایوب لم یزیدا در نسخه بدل اضافه دارد فیدلسانه ویسترانه

آیت الله مددی: معلوم شد مرادش چیست؟ نمی گفتند مثلاً سلیمان بن داوود الشاذکونی تا شناخته بشود، می گفتند سلیمان ابو ایوب می گویند حسن بصری در ایام حجاج وقتی که شدت بود نسبت به شیعه وقتی می خواست بگوید سمعت حدثنا علی می گفت حدثنا ابو زینب، ابو زینب می گفت که شناخته نشود تدلیس به این معنا یعنی سلیمان ابو ایوب نمی گفتند سلیمان بن داوود شاذکونی ابو ایوب چون شناخته می شود چون اگر شناخته می شد قبول نمی کردند بله بفرمایید این معلوم می شود که عامه هم زیر بارش نمی رفتند مشکل داشت بفرمایید.

یکی از حضار: قال ابو حاتم متروک الحدیث

آیت الله مددی: اولش که اسم سلیمان در یک پراوتر نیآورده بود مثلاً عین قاف سین این رمز

یکی از حضار: خیر نیآورده اصلاً رمزی نبود

آیت الله مددی: اگر نیآورده صحاح ست نقل نکردند، چون رمزش صحاح ست است.

یکی از حضار: وقتی می گوید قال النسائی لیس ثقة دیگر

آیت الله مددی: می دانم نه، حالا گاه گاهی چیزی می شود گاهی اختلاف نظر می شود معلوم می شود که صحاح ست کلا ندارند.

یکی از حضار: برای بخاری بود بله اینجا هم نسائی می گوید لیس ثقة

آیت الله مددی: نه اشکال ندارد می گوید بخاری اما ممکن است ابن ماجة نقل بکند یا گاهی یک کسی هست که همه می گویند کذاب باز ابن ماجة نقل بکند دارند از این مشکلات دارند بفرماید.

یکی از حضار: قال ابن المدینی قال سلیمان شاذکونی هاتوا حرفا من حرف الحسن البصری لا احفظه وقال حنبل سمیت ابا عبد الله يقول

یعنی حنبل بن احمد دیگر، کان اعلما بالرجال یحیی بن معین واحفظنا للابواب الشاذکونی وقال ابن المدینی احفظنا للطوال

آیت الله مددی: احادیث طولانی. علی بن مدینی ابن المدینی مرادشان علی بن المدینی است خیلی مرد بزرگواری است در حدیث خیلی

در رتبه ی احمد بن حنبل یا باید بگویم للطوال اصلا برای احادیث طولانی هم حفظ می کرده است در قصه ی احمد بن حنبل مخالف

می شود احمد قائل می شود به اینکه قرآن قدیم این می گوید حادث است لذا یک مقداری بین محدثین عنوانش می آید پایین و الا به لحاظ

حدیث و این قسمت ها خیلی فوق العاده است اسمش را کمتر می برند به خاطر همین جهت، به جهت مخالفت با احمد در قصه ی فتنه ی

به قول خودشان خلق قرآن بفرماید آقا.

یکی از حضار: حنبل ظاهرا پسر احمد وقال صالح بن محمد

آیت الله مددی: ابا عبد الله اصلا در مغنیه وقال ابا عبد الله خودش احمد بن حنبل امامشان است دیگر.

یکی از حضار: وقال صالح بن حافظ

آیت الله مددی: یک وقتی به یک آقایی که به قول خودش مقید به زیارت عاشوراء بود گفتم مکه بودم داشتم این الجزیره را گوش می کردم

یکی از این جماعت به اصطلاح همین برای جماعت آن چه کسی بود برای سعودی بعد او را کشتند چه کسی است

یکی از حضار: بن لادن

آیت الله مددی: بن لادن، او تعبیر می کرد که ابا عبد الله این طور و این طور است او به من می گفت من دیگر زیارت عاشوراء سخت است

بخوانم، این ابا عبد الله بن لادن است کنیه اش ابا عبد الله است گفت بخوام بگویم یا ابا عبد الله حالم به هم می خورد که کنیه ی بن لادن

است بفرماید آقا.

یکی از حضار: اینجا صالح بن محمد حافظ گفته ما رایت احفظ من الشاذکونی وکان یکذب بالحديث

آیت الله مددی: خیلی مقام بالایی داشته بفرماید.

یکی از حضار: بعد می گوید که نزد چه کسانی رفته و بعد می گوید وقیل کان یتعاطی المسکر ویتماجن

آیت الله مددی: این هم اضافی بر آن، یتعاطی هم شراب می خورد هم خل بازی رقص و سماع، مجنون در لغت عرب این حرف های مسخره و بخواند و آواز بخواند و شعر بخواند و برقصد و خیلی مناقب زیادی دارد انصافا آنچه خوبان همه دارند ویتماجن.

یکی از حضار: بعد می گوید که آخر عمرش که گفته اللهم من اعتزل الیک فانی لا اعتزل انی ما قذفت محصنة ولا دلست حدیثا

آیت الله مددی: من زنی را، زن محترمه ای را قذف نکردم و تدلیس حدیث هم نکردم همه را گفتم اگر دیگران می گویند خدایا عذر می خواهم من نمی گویم خدایا عذر می خواهم خیلی کله شق هم بوده اصلا معلوم است با خدا هم دعوا داشته است شاید جزو مجونش بوده شراب خورده پرت و پلا گفته است.

یکی از حضار: وثاقله ابن عدی احادیثه خولف فیها ثم قال للشاذکونی حدیث کثیر مستقیم و هو من الحفاظ المعدودین ما شبه امره بما قال عبدان یحدث حفظا فیغلط وقلت وبقای

آیت الله مددی: یغلب؟

یکی از حضار: یغلط، باقی افعاله ذکرتهای فی کتاب تاریخی الکبیر بعد می گوید که ویک حدیث اربع مائة هم از او می آورد که من کسح مسجدا او رشحه کان کانه حج اربع مائة حجة وغزی اربع مائة غزوة او صام مع اربع مائة يوم واعتق اربع مائة نسمة بعدش می گوید هذا حدیث منکر جدا

آیت الله مددی: واضح است، بل موضوع قطعا.

یکی از حضار: این در نسخه بدل است، حدیث بر این اشکال، بعد مات سنة اربع وثلاثین ومائة

آیت الله مددی: صد و هشتاد و چهار؟ ها

یکی از حضار: دویست و سی و چهار جسارتا، اربع وثلاثین ومائة

آیت الله مددی: اها، این اصفهان آمده این رفته من فکر می کنم علمای قم بعضی از احادیث ایشان چون سنی بوده احتجاجا آوردند گفتند حالا سنی نقل بکند از این جهت و الا بعید است علمای قم این طور حالا عجیب است دو تا عالم بزرگ قم مرحوم کلینی مرحوم صدوق این حدیث اربعین وجه را آوردند از همین ایشان است و راه دیگری هم ندارد که صوم از امام سجاد اربعین وجهها حالا می خواستم به این جهت حالا بگویند دیگر امشب

یکی از حضار: درباره اش یک نکته ای می گوید ابو ایوب الشاذکونی بصری لیس بالمتحقق بنا

آیت الله مددی: قطعاً نیست

یکی از حضار: من غیر انه روی عن جماعة اصحابنا من اصحاب جعفر بن محمد و كان ثقة له كتاب

آیت الله مددی: ایشان توثیق کرده این یکی از مشکلات ما با اهل سنت هست ها ، یکی از مشکلات ما یعنی ثقة ما احتمال می دهیم مثلاً

این فهرستی باشد یعنی مجموعه ی روایتی که اصحاب ما از او نقل کردند خوب است قابل قبول است دقت کردید .

یکی از حضار: این نجاشی ، اما ابن الغضائری حقیقت را ادا کرده است : می گوید که ضعیف جداً لا يلتفت اليه يوضع كثيراً ، لعله يضع

كثيراً على المهمات بعد می گوید در نسخه ی بدل که یک روات هم دارد يضع كثيراً على الروات .

آیت الله مددی: مبهمات غالباً می آوردند مهمات نشنیدم .

یکی از حضار: خود محقق هم گفته که اینجا عبارت واضح نیست .

آیت الله مددی: واضح نیست ما مبهمات داریم یروی المبهمات اما اینکه كثيراً

یکی از حضار: اما احتمالاً این در چیز هم در خلاصه ی علامه هم این جوری چاپ شده وقال ابن الغضائری انه ضعیف جداً لا يلتفت اليه

باز دوباره این شکلی است يوضع كثيراً على المهمات .

آیت الله مددی: در قسم لغوم آورده دیگر چون یا نه قسم اول بعید است قسم اول آورده باشد . در بخش دوم آورده است .

علی ای حال ، توثیق کرده ایشان خوب معارض می داند ایشان کلام ابن غضائری را قبول می کند معارض می داند با توثیق نجاشی معارض

می داند آقای خوئی احتمالاً قبول دارند چون آقای خوئی توثیقات نجاشی را قبول می کنند . سلیمان بن داوود را از کتاب آقای خوئی

بیاورید.

یکی از حضار: آقای خوئی می گویند که اقول لا يكون الشاذکونی لقب لسليمان بن داوود فقط يوصف به نفسه وقد يقال ابن الشاذکونی ثم

لا ينبغي الاشكال في وثاقة الرجل ابن معجم شماره ی ۵۴۷ است . فان النجاشی وعلی بن ابراهیم قد وثقاه ولا يعتمد علی ما نقله العلامة

عن ابن الغضائری وذلك لما مر من

آیت الله مددی: این باید یک فکر کلی علمای ما بکنند مثل ما بدتر از این هم داریم مثل شاذکونی را نجاشی گفتند ثقة مشهور اهل سنت

قبول نکردند یا کذاب یا فلان ، این آها فرهنگ ما را با هم جدا می کند این را باید یک فکری برایش بشود که چه کار کنیم چون بالاخره اگر

ما بخواهیم تلاقی فرهنگی پیدا کنیم پیش می آید دیگر بنشینیم با آنها صحبت کنیم آنها می گویند خوب این طوری است ، شما این ، آن وقت این راهی را که من رفتم باز قابل قبول است بگوییم ثقة نجاشی فهرستی است نه رجالی .

یکی از حضار: در راستای تایید فرمایشتان شیخ هم در فهرست گفته له کتاب هیچ چیزی نگفته اما دو تا طریق به او نقل کرده یکی از طریق ابن ابی جید یکی از طریق جمال از محمد بن علی بن حسن عن ایبه

آیت الله مددی : محمد بن حسن ؟

یکی از حضار : و اخبرنا جماعة عن محمد بن علی بن حسین عن ایبه و محمد بن حسن سعد بن عبدالله و حمیری و محمد بن یحیی احمد بن ادريس احمد بن محمد عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داوود .

آیت الله مددی : ببینید مشایخ قم قبول کردند ، روشن شد ؟ نجاشی نظرش این است آن وقت مشایخ قم آن مقداری را که نقل کردند قبول کردند اگر فهرستی شد بحث را بر خود شخص نیست ، یک مقدار از آثارش را که دیدند با عقاید شیعه جور درمی آید و مناسب با شیعه است قبول کردند نجاشی از این جهت گفته ثقه

یکی از حضار : نصف احادیثش برای حفص بن غیاث است .

آیت الله مددی : حفص بن غیاث هم از امام صادق نقل می کند .

یکی از حضار : مستقیم از امام صادق یک مقدار کمش را از حضرت موسی بن جعفر

آیت الله مددی : حفص بن غیاث خیلی قاضی موفق است خیلی مرد فوق العاده ای است در کوفه بود وقتی هارون قاضی می خواست برای بغداد سه تا از بزرگان کوفه را گفت بیاورید بغداد که من انتخاب بکنم یکی که وارد شد اسمش را نوشتند چشمهایش را این جوری می کرد گفت چه مشکلی داری گفت من درست نمی بینم گفت این مرد کور را برای چه آوردید بیاندازید بیرون آن که دومی می لرزید گفت تو چه مشکلی داری گفت من مرض رعشه دارم گفت به قول اصفهانی ها این منار جنبان را هم بیاندازید بیرون ، حفص بن غیاث قبول کرد آن دو تا گفتند ما با این وسیله دینمان را خریدیم یعنی با این بازی از دست هارون خلاص شدیم ، حفص بن غیاث بعد خیلی هم به او اشکال کردند که تو با این مقام چرا قبول کردی ؟ گفت رکبتنی الدیون خیلی مقروض شدم راهی نداشتم ، مجبور شدم قاضی بشوم تا دیونم را بدهم .

آن وقت وکیع بن جراح که خوب یک راوی خیلی معروف است ، البته حفص بن غیاث به نظرم در بخاری هم هست .

یکی از حضار: در نقل های عمده ی نقل هایش که عرض کردم قاسم بن محمد است راوی دوم قاسم بن محمد ابراهیم بن هاشم است آقای خوئی اشاره فرمودند ابراهیم بن هاشم فقط در کافی شصت و شش تا نقل از طریق دارد .

آیت الله مددی: اینها اصحاب ما دقت کردید؟ من آن شب عرض کردم دو تفکر است، این جا ما این احتمال را ما دادیم برای اولین بار که ثقة نجاشی توثیق فهرستی باشد، نه توثیق رجالی. آن وقت توثیق فهرستی چون شما الان دیدید سعد بود حمیری بود ابن الولید محمد بن حسن بن الولید بود اینها همه بزرگان اصحاب هستند خوب نمی شود انکار کرد مرحوم نجاشی نظرش این است که مقداری از احادیث را این بزرگان ما قبول کردند اینها قابل قبول است این بزرگانی که در قم در مقام کارهای فهرستی قبول کردند اگر این احتمال درست باشد این شبهه را می تواند حل بکند این شبهه به این جهت می شود حل بشود الان اسمائی را که نجاشی خواند اسماء بزرگان بود .

یکی از حضار: یعنی شبهه ی اینکه چرا نجاشی توثیق کرده؟

آیت الله مددی: اها یعنی آنچه که اصحاب ما نقل کردند قابل اعتماد است مثل همان ضعیف که ما از ابن الولید آوردیم آنجا اینها بحث رجالی نکردند مثل شما، اینها مقداری از احادیث را دیدند این احادیث با روایات اهل بیت می ساخت این مقدار را قبول کردند .

یکی از حضار: این تعبیر ایشان که گفته غیر انه روی عن جماعة اصحابنا من اصحاب جعفر بن محمد که نبود که باز هم روایتش از اصحاب خودشان است .

آیت الله مددی: نه

یکی از حضار: حفص بن غیاث است بعد سفیان بن عیینه است همه اش جماعت خودشان است .

آیت الله مددی: باشد جماعت خودشان، ممکن است آن روایتی که از اصحاب ماست الان دست ما نرسیده است، حفص بن غیاث راوی است .

یکی از حضار: محمد بن حمزه ی بطائی است .

آیت الله مددی: خوب اصحاب ماست دیگر به هر حال .

یکی از حضار: خوبش این است تازه

آیت الله مددی: بله، حفص بن غیاث عرض کردم قاضی بود این وکیع بن جراح خیلی با او رفیق بود وکیع تا آخر عمر گفت دیگر با تو صحبت نمی کنم تو چرا قبول کردی دستگاه قضا انقطع عنه الی آخر عمره گفت تا آخر با تو صحبت نمی کنم غرض این چیزی که در بین ذهن ما هست که مثلاً آن ها با دستگاه بودند ما ها نبودیم آن ها هم درس داشتند غرض آن ها از این

یکی از حضار: وکیع خیلی مقدس هم بوده آن شعر را می گوید شکوت الی وکیع سوء حفظی فارشدنی الی ترک المعاصی وقال الم بان

العلم فضل وفضل الله لا یوتاه عاصی مقدس بوده که گفته این شعر را

آیت الله مددی: غرض اینکه

یکی از حضار: در تهذیب این است که وکان وکیع ربما سئل عن الشیء فیقول اذهبوا الی قاضینا فاسئلوه فکان شیخا عفیفاً مسلماً تعریفش

کرده در حفص غیاث

آیت الله مددی: شیخ عفیف بود می گوید چرا قبول کردی؟ بله می گوید ترکه دارد در میزان

یکی از حضار: می گوید اذهبوا الی قاضینا فاسئلوه

آیت الله مددی: یعنی از او پرسید این آدم صالحی است اما خودش با او صحبت نمی کرد چون قبول کرد.

یکی از حضار: خیلی ترجمه‌ی مفصلی دارد این حفص بن غیاث

آیت الله مددی: خیلی

یکی از حضار: خلق کثیر روی عن خلق کثیر

آیت الله مددی: بله این روایتش از جعفر بن محمد در کتب سنی ها هست روی عن جعفر دارد، نجاشی نوشته روی عن جعفر مائة وسبعین

حدیث اصلاً کتابش صد و هفتاد تا حدیث است این بحث‌های فهرستی ماست کتاب را توثیق کردند معین کردند این کتاب صد و هفتاد حدیث است.

یکی از حضار: بله در تهذیب می گوید و جعفر بن محمد بن محمد بن علی الصادق م د ق

آیت الله مددی: م یعنی مسلم، د ابو داود، ق هم ابن ماجه قزوینی.

یکی از حضار: اما در بقیه‌ی چیزها بخاری دارد همه را دارد خ، س،

آیت الله مددی: بله حفص عرض کردم در ذهن من هم هست که بخاری از او، خیلی مرد بزرگواری است می گویم لذا به او اشکال کردند

تو چرا قاضی شدی چرا قبول کردی گفت رکبتی الدیون، دیون گذاشت.

علی ای حال این برای آشنایی اجمالی چون یک مطالبی خوانده می شود می خواهم فضای مساله باز بشود لذا یک مقدار آشنایی اجمالی.

به هر حال این روایت اربعین صوم ایشان نقل می کند از سلیمان بن داود شاذکونی بعد از چه کسی؟ اربعین وجه، وجوه صوم. ما الان

یکی از روایاتی که از امام سجاد داریم این است یکی رساله‌ی حقوق است که چاپ هم کردند و شروح هم بر آن نوشتند اصلاً آن توفیق الفکیکی دو جلد قطور نسبتاً شرح رساله است .

یکی از حضار: دوم سلیمان بن داوود ، راوی دوش سفیان بن عیینه است که اینجا همه

آیت الله مددی: سفیان نقل می‌کند

یکی از حضار: حفص راوی اولش از لحاظ تکرار ، دومی اش سفیان بن عیینه است .

آیت الله مددی: یعنی عن حفص عن سفیان

یکی از حضار: نه در کتاب‌ها از لحاظ تعداد تکرار در کتاب‌های ما سفیان ، یکی حفص

آیت الله مددی: نه این حدیث اربعین وجه را از چه کسی نقل کرده است ؟

یکی از حضار: عن سفیان

آیت الله مددی: عن سفیان ؟

یکی از حضار: بله عن سفیان بن عیینه عن زهری

آیت الله مددی: عن زهری ، اینها از بزرگان اهل سنت هستند قبول کردند اصحاب ما چون حدیث بین مشایخ قم ، چون عرض کردم مشایخ قم یک نکته‌ای بود که فرقیشان است با مشایخ بغداد این می‌دانستند که در بغداد اگر مساله‌ای منصوص نباشد بعینه روی قیاس ، قیاس هم در آن زمان اخذ به اطلاق و عموم و اینها ، قمی‌ها معتقد بودند تا جایی که می‌توانیم به نصوص برگردیم که مبتلی به عمومات و قیاس و اینها نشویم لذا مثلاً همین کتاب سکونی را اگر دقت بشود در عبارت از این جهت قمی‌ها قبول کردند گفتند اگر در کتاب روایاتی باشد در کتاب سکونی که معارض در اصحاب ما نباشد فتوا هم از اصحاب به خلافت نباشد قبول می‌کنیم چرا چون می‌خواستند مساله ماثور باشد ، چون اگر ماثور نبود به قواعد رجوع می‌کردند این نکته را تا حالا در سکونی باید مفصل بگوییم حالا اگر رسیدیم در این دوره‌ی اخیری که چهار پنج سال قبل بود به نظرم قبل از کورونا وارد سکونی شدیم نه روز راجع به سکونی صحبت کردیم یعنی در حقیقت رجوع به کتاب سکونی برای اینکه مبدا به قواعد برگردیم ماثور باشد .

از زمان ابن ادریس کم رجوع به قواعد و اینها راه افتاد دیگر بعد دیگر زمان علامه زیاد شد زمان علامه که زیاد شد خوب روایات سکونی را ترک می‌کنیم برمی‌گردیم به قواعد دیگر مشکلی نیست روشن شد چه شد ؟ یعنی یک تفکری در جامعه حاکم بود در قم دقت کردید این بزرگان گفتند حالا ما که خودمان حدیث نداریم این سنی این حدیث را از زهری از علی بن الحسین گفته ماثور باشد بهتر است ، این فعلاً

یک چیزی باشد به عنوان ماثور از حضرت اگر به نظرم یک جایی اش هم صدوق می گوید این درست نیست یک جای حدیث اربعین وجهها در همین کتاب خصال به نظرم در خصال وقتی می آورد یکی دو قطعه اش را خود صدوق اشکال می کند می گوید هکذا ورد فی الروایات لکن قابل قبول نیست . به نظرم این طور ذهنها چون خیلی وقت است من روایت را ندیدم ، به نظرم چهل سال هم بیشتر باشد خیلی است اصلا تازگی به کتاب ، بیست سال و بیست و پنج سال هم بیشتر است حالا چند سال نمی دانم .

به نظرم در خصال صدوق در باب الاربعین نگاه بکنید به نظرم یک جا یا دو جا قبول نمی کند متن روایت را زیر بار نمی رود دقت می کنید ؟ نجاشی هم می گوید ثقة به این معنا یعنی مقداری از روایاتش را قمی ها و بزرگان و مشایخ قم قبول کردند و الا انصافا اینکه آقای خوئی لا ینبغی الاشکال فی وثاقتہ خیلی تند بود این عبارت خیلی تند بود غیر مناسب بود نه واقعیتش هم غیر مناسب است اصلا واضح است سلیمان بن داوود شاذکونی حالا مجموعه ی کلمات و مجموعه ی احادیث بعد هم مثلا خدای نکرده یتعاطی المسکرات این ها را چون آقای خوئی کتب اهل سنت را نگاه نمی کردند ، عرض کردم من به آقا عزیز گفتم همان اوائل جلد یک که تازه درآمده بود گفتم که آقا ، چون آقا عزیز هم جزو لجنه بود آقا عزیز گفت من راجع به اسحاق بن رافع یک مقاله ی مفصلی نوشتم خود آقا عزیز به من گفت قصه برای ۳ - ۵۲ سال قبل است اوائل جلد یک گفت خیلی مقاله ی مفصل کلمات اهل سنت راجع به اسحاق دادم به آقای خوئی قبول نکرد گفت نه این به درد من نمی خورد .

یعنی متعمدا وارد این بحث نشدند ، دقت می کنید ؟ آقای چیز چرا مثلا آقای تستری وارد می شود آقای ابطحی وارد می شود الان عده ای هستند از علمای معاصر که رجال می نویسند اهل سنت را می آورند ، ایشان نه شاید مثلا گاهی اشاره بکند فقط ذکره بعض العامة غرض اینکه ایشان چون نجاشی گفت ما دیگر به تضعیفات عامه و این حرف ها ، و الا اگر خدای نکرده همین یتعاطی المسکر همین یکی و یتماجن که این بلند می شد می رقصید و سر و صدا می کرد و جفتک می زد اینکه خودش همین یکی کافی است و واضح است یعنی انصافا مثلا فرض کنید حدیثی را حضرت سجاد در چهل وجه روزه بگویند هیچ کس نقل نکند از شیعه جز همین زهری و از آن سفیان و از آن هم مثلا شاذکونی اصلا خیلی آدم یک جورش می شود .

یکی از حضار : هم در مقنع این را آورده عنوان بابش ابواب الصوم باب ان الصوم علی اربعین وجهها ، در فقه الرضا هم هستش .

آیت الله مددی : اینها قبول ، علامت قبول است .

یکی از حضار : در هدایه هم باب فی ان الصوم علی اربعین وجهها روی عن الزهری

آیت الله مددی : نه در خصال بیاورید ببینید

یکی از حضار: نه ذیلی نداشت در خصال

آیت الله مددی: از اول که می آید در وسط هایش قال محمد بن علی بن الحسین، گاهی در وسط هایش می گوید ذیل نه همین طوری که دارد می آورد در یک عبارتش قال محمد بن علی بن الحسین این یکی را قبول ندارم. در ذهن من اجمالا این هست که یک جایی از این چهل تا را قبول نمی کند حالا یا صدوق است یا غیر صدوق است الان در ذهنم نمی آید به هر حال آن چون بحث فقهی است باید وارد بحث فقهی بشویم که جای ما نیست من نکته ی دیگرم سر این بود که چرا بحث های فهرستی قرن اول را نمی گوئیم می خواستیم یک توضیحی داده بشود خیلی امشب صحبت کردیم ندارد آنجا؟ از اول تا آخر حدیث.

یکی از حضار: بله چشمی نگاه کردم نبود.

آیت الله مددی: خیلی خوب پس من اشتباه کردم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين